

مقدمه «تاریخ سلطنت پشتونها در هند»

انگیزه نگارش این کتاب (که در ۷ فصل و ۳۵۰ صفحه به روز ۲۱ مارچ یعنی روز نورز ۱۳۹۲ش پایان یافت و در پورتال افغان جرمن آنلاین گذاشته شد)، مقاله ایست از کسی بنام «سنگ شکن» تحت عنوان «پاکستان، پشتونها و طالبان» که در ماه فیروزی ۲۰۰۴، در سایت آریائی به نشر رسیده بود. در این «اتهامنامه» اولاً به تاریخ پشتونها توهین شده بود، وثانیا سعی بعمل آمده بود تا جمعیت پشتونهای افغانستان را بدون نشان دادن کدام ماخذ قابل باور، در سطح یک اقلیت ناچیز وانمود کند. به سخن دیگر، سنگ شکن، تعداد جمعیت پشتونهای دوطرف خط دیورند را بر اساس برآورد وزارت داخله پاکستان از ۳۵ تا ۳۸ میلیون نفر برشمرده و از جمله ۲۶ میلیون آنرا مسکون در صوبه سرحد، ۳ تا ۴ میلیون را در صوبه بلوچستان و مابقی ۷ تا ۸ میلیون را پشتونهای افغانستان وانمود کرده بود و بعد نوشته بود:

« مثلثی که پشتونها در آن زندگی می نمایند هیچگاه کشور مستقل و یا تاریخ مستقلی از خود نداشته است. »

هدف از کم زدن و کم نشان دادن نفوس پشتونها در افغانستان چیست؟ «واک فوندیشن» (اداره مطالعات ترکیب قومی - زبانی افغانستان) که یک سروی دموگرافیک را از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ در افغانستان به بودجه سازمان ملل متحد تکمیل کرده و نتایج کار آن در ۱۹۹۸ ابتدا به پشتو و در ۱۹۹۹ به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است) در گزارش مختصر رئیس این اداره آقای محمدانعام واک، نفوس مجموعی کشور ۳۰ میلیون برآورد شده و از این جمله نفوس پشتونها ۱۸۰۸۲۲۰۰۰ میلیون نفر و بقیه سایر اقوام و طوایف افغانستان را در بر میگیرد. (دیده شود: مجله دعوت، شماره ۱۴۴ ص ۴۳) در همین گزارش مختصر تعداد پشتونهای پاکستان در پنج ایالت آن کشور ۳۰۷۱۰۰۰۰ میلیون نفر ضبط شده است.

من در جواب «سنگ شکن» که بعدتر هویتش افشا میگردد، در رابطه به این تحریف تاریخی وی «**مثلثی که پشتونها در آن زندگی می نمایند هیچگاه کشور مستقل و یا تاریخ مستقلی از خود نداشته است.**» نوشتم که سنگ شکن خواب های را تعبیر میکند که هیچ آدم خواب برده ای اگر از سواد اندکی برخوردار باشد، آنرا باور نمیکند.

مگر میرویس خان هوتکی یک پشتون نبود که سه صد سال قبل بدون حمایت شمال و جنوب از همین «مثلث قبایل» بر ضد سلطه صفویان ایران قیام کرد و دولت مستقل ملی را در قندهار بنیاد نهاد (۱۷۰۹م) که آن دولت برای مدت سی سال از قندهار تا اصفهان گسترده بود. آیا احمدشاه درانی متعلق به همین قبایل پشتون نبود که در سال ۱۷۴۷ میلادی دولت مستقل افغانستان را بنیاد نهاد که دامنه آن از مرزهای خراسان تادهلی واز آمودریا تا بحیره عمان گسترده بود. و آیا همین کشور موجوده افغانستان میراث گرانیهای شمشیر و تدبیر و سیاست احمدشاه بابا و میرویس نیکه نیست؟ موضعگیری خصمانه و سبک سرانه آقای سنگ شکن در برابر یک قوم سرنوشت ساز، انسان را وادار میسازد تا جواب بالمثلی به وی داده بگوئیم که اگر این کشور را پشتونها نساخته اند و میراث شمشیر و خونهای ریخته شده آنها در رکاب رهبران شان نیست، پس بگوئید آیا مزد شمشیر قوم و قبیله توست؟

از زمان ظهور افغانستان تا همین امروز، برای دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی این سرزمین پشتونها در پیشاپیش سایر اقوام سینه خود را همواره سپر کرده و بیشتر از هر قوم دیگری خود را فدا کرده اند تا جلو وطن فروشان معلوم الحالی را بگیرند که گاهی خواب تاجکستان بزرگ را وزمانی خواب ازبکستان بزرگ یا فارس بزرگ رامی دیدند. تا کنون هیچ نویسنده آگاه و وطن دوستی به سخافت «سنگ شکن» برای کوبیدن یک قوم آنهم پشتون در مورد اقوام دیگر از چنین بی حیائی کارنگرفته است. سنگ شکن باید بداند که مردم میتوانند نیات شوم کسانی را آگاهانه یک قوم نامدار و تاریخی و پرشهامت را زیرکانه تخریب مینمایند، درک کنند و به موقع جواب دندان شکنی به آنها بدهند.

سنگ شکن از «مثلث پشتونها» نام برده، ولی توضیح نداده که منظور شان از این مثلث، کدام سرزمینهاست؟ و آیا میتوان بستر بودوباش پشتونها را یک مثلث نامید یا یک چهارضلعی یا شبیه آن؟

واقعیت اینست که پشتونها در چوکات یک مثلث بود و باش ندارند و در هر دوی سوی خط دیورند یعنی در تمام ایالات پاکستان و سراسر افغانستان پراکنده اند. بنابر تحقیقات واک فوندیشن، پشتونهای افغانستان در ساحه ۶۴۹ / ۶۵۱ کیلومتر مربع پراکنده اند که ۳۲٪ آنها (در حدود ۱۵ میلیون در جنوب هندوکش و ۸ درصد پشتونها) یعنی حدود ۴

میلیون نفر) در شمال هندوکش بودوباش دارند و در جنوب خط دیورند ۶۰٪ پشتونها (لااقل ۳۰ میلیون نفر) از اتک تا خط دیورند در ساحه ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع پراکنده اند که بطور مجموعی نفوس پشتونها در دوسوی خط دیورند به پنج میلیون میرسد. و این رقم بزرگترین گروپ قومی را در منطقه تشکیل میدهد. (دیده شود: مجله صلح و افغانستان امروز، چاپ آلمان، مقاله افغانستان، فیدرالیزم... صص ۱۲۴ - ۱۳۲)

آقای سنگ شکن وقتی جواب محکم واستوار مرا در سایت آریائی دید، دوباره ضمن یک دشنام نامه باعتر بندتر از گناه اتهامنامه خود را چنین اصلاح نمود: «مثلی که پشتونها(البته پشتونهای پاکستان) در آن زندگی می نمایند هیچگاه کشور مستقل و یا تاریخ مستقلی از خود نداشته است.» آقای سنگ شکن نمیداند که دولت های لودی و سوری در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی یعنی قبل وبعد از سلطنت بابرین در هند، بخش مهم تاریخ پشتونها را در جنوب خط دیورند میسازد.

در پشتو ضرب المثلی است که میگویند: «اوپه په دانگ سره نه بیلیژی!» (یعنی آب با سوتنه از هم جدا نمیشود) پشتونهای مسکون در هر دوی سوی خط دیورند، هم از لحاظ اصالت ریشه یی و عرق و زبان و رسوم و آداب ، دارای منشاء مشترک و فرهنگ مشترک و تاریخ مشترک اند و هیچکس نمیتواند آنها را به نام پشتونهای اینطرف خط دیورند و آنطرف خط دیورند از هم جدا کند. و یا آنها را از افتخارات مشترک تاریخی شان محروم سازد و بدین وسیله در میان آنها تفرقه ایجاد کند. رهبران احزاب سیاسی و مورخین پشتون مسکون در آنسوی خط دیورند به افغانیت خودهمان قدر می بالند که یک افغان ننگر هاری ویا قندهاری ویا هراتی به آن می بالند.

بنابراین اینگونه تقسیم بندیها تراوش ذهن های بیمار و ران های اشفته و آغشته به ویروس تفرقه اندازیهای قومی در افغانستان است که مردم به اهداف و ماهیت آن پی برده اند و فریب هیچ ترفند و دروغی را نمیخورند.

از آن تاریخ بیعد من درصدد آن برآمدم تا هر جا نقش پای نخبه گان پشتون را در تاریخ بیابم یاد داشت نمایم و درج صفحات تاریخ این قوم نمایم. خوشبختانه بزودی موفق شدم تا مطالب مهمی در باره ظهور سلطنت های لودی و سوری در هند و دیگر جنبش های سیاسی این قوم دلیر و جانباز برضد استبداد و ستم ملی سلاطین مغولی هند گرد آورم و از طریق رسانه های جمعی انترنتی و رسانه های مکتوبی بدست نشر بپیارم. اینک اکنون حاصل همان تلاش هایم را میخوام در یک اثر مستقل به خوانندگان و علاقمندان تاریخ دولتمداری و سلطنت پشتونها در هند تقدیم نمایم. باور دارم که مندرجات این کتاب برای جوانان افغان، بخصوص فرزندان اقوام پشتون خالی از دلچسپی نخواهد بود و آنها را قادر خواهد ساخت تا از تاریخ و مفاخر تاریخی بزرگان تاریخ ساز خویش در برابر یاهو گوئیانی چون سنگ شکن دفاع خواهند کرد.

و اما در باره سنگ شکن (استاد صباح):

من و مسئول سایت آریائی در شهر گوتتبرگ سویدن زندگی میکنیم ، باری از او پرسیدم که این سنگ شکن کیست که با نام مستعار مقاله های دیگران را دزدی کرده بشما میفرستد و اعتبار سایت شما را خراب میکند؟ جواب داد: « منبع از او هیچ نوشته ای را نشر نخواهم کرد و علاوه کرد که سنگ شکن همان آقای استاد صباح است و عضو حزب دموکراتیک خلق بود . و چون مدتی را درخاد خدمت میکرده از افشای نام خود دریای مقالات سیاسی خوداری میکرد و من بر اساس سفارش پنجشیری صاحب(دستگیر پنجشیری) نام مستعار او را قبول کرده بودم. او اکنون با سایت مشعل همکاری دارد.»

یکی از شاکیان از دست استاد صباح، آقای کاوه آهنگر است که به ارتباط دستبردهای وی در سایت آریائی نوشت: «چندی قبل نظرات هموطنان و جهانیان را در مورد انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان به منزله رویداد سر نوشت ساز در حیات جامعه ما، در سایت های انترنت مرور می کردم. چشم به عنوان پر جاذبه "اوراق تاریخ در مورد انتخابات ما چه ثبت خواهد کرد؟" افتاد که در ذیل آن مضمونی طولانی به نشر رسیده بود. هر چند عنوان هوایی از غیب گویی سیاسی و تاریخی داشت، اما جالب بود. به مطالعه مضمون نشر شده که در کنار آن اسم "استاد صباح" به عنوان نویسنده آن تحریر یافته بود، آغاز نمودم. بعد از خوانش اولین پاراگراف و با دخول در پاراگراف دوم ، متوجه شدم که مطلب را جای دیگری قبلا خوانده ام. سایت هایی را که در مورد قضایا و رویداد های افغانستان چیز هایی می نویسند، باز خوانی نمودم و مضمون را زیر عنوان " ائتلاف بی ائتلاف" در سایت همشهری دیپلوماتیک شماره ۲۵ مهر ۱۳۸۳ - اکتوبر ۲۰۰۴ در یافتم، که نویسنده اولی و واقعی آن شخصی به نام "داکتر مهدی ظواهری" می باشد.

خوانندگان محترم سایت آریایی مقاله داکتر "مهدی ظواهری" را در www.hamshahri.org دیپلوماتیک - آرشیف ۸۳ شماره ۲۵ مهر - اکتوبر ۲۰۰۴ زیر عنوان "انتلاف بی انتلاف" و نتیجه کار آقای صباح را در آرشیف آریایی بخش انتخابات زیر عنوان " اوراق تاریخ در مورد انتخابات ما چه ثبت خواهد کرد ؟ " ملاحظه فرمایند. "

سپس آقای کاوه می افزاید: استاد صباح نماینده روشنفکران افغانستان، «داکتر تاریخ و استاد علوم سیاسی» به رویت نامه ها و بیوگرافی منتشره شان در سایت مشعل، کسی که هیچگاه اسم شانرا بدون ذکر پیشوند «استاد» مذکور نمی فرماید و لحظه ای کتاب از دست شان کناره نیست، برویت فوتوی شان با تمام این اوصاف چگونه «دستبرد» به حقوق معنوی غیر را پیشه خود ساخته اند؟ چگونه پذیرفته اند که دیگران به اصطلاح دود چراغ بخورند، بخوانند، ببیندوزند، اما «استاد» با اجرای دو عملیه کوچک (کلپی - پیوند) در طی چند ثانیه آن همه زحمات را به خود نسبت دهند؟ دستبرد به حقوق معنوی دیگران مانند دیگر جرایم چون: سرقت، اختلاس، چپاول، غدر و فریب کاری جرم است و مستوجب مجازات، هر چند میزان مجازات آنها متفاوتند، اما ماهیت همه آن اعمال یکی است، یعنی جرم ! تعداد دیگری از مضامین منتشره اسمی استاد صباح - سنگ شکن - محصول همین نوع دستبرد و پیوند ناسالم اعضاست که عجالتاً از ذکر آن به علت طوالت کلام خود داری گردید.» (سایت آریایی، ۱۷ جنوری ۲۰۰۵)

اما کسی که طشت رسوائی آقای سنگ شکن (استاد صباح) را از بام بزیر انداخت، و زیر عنوان «**دزد فرهنگی با پشتاره بی ننگی**» ۲۳ مورد سرقت های ادبی انترنتی "صبحاح" را با نام های مستعار دیگرش در لینک ذیل <http://www.ariaye.com/dari/ejtemai/shewan.html> نشان داد، آقای شکرالله شیون، نویسنده و شاعر شیوا بیان افغان مقیم پاریس است که ما برای جلوگیری از طوالت کلام در ذیل همین صفحه فقط ده مورد آن سرقت ها را با عکس و نام های مستعار وی نشان خواهیم داد تا درس عبرتی باشد برای دیگر سارقین ادبی و فرهنگی و نیز برای خود سنگ شکن (استاد صباح). (۱)

۱- مقاله افشاگرانه آقای شکرالله شیون تحت عنوان «**دزد فرهنگی با پشتاره بی ننگی**» در سایت آریایی چنین آغاز میشود: «در مقدمه قسمت اول این بحث نوشته بودم که تنها عنوان و فهرستی که در ذیل آمده ، به وضاحت نشان می دهد که یک شخص معلوم الحال (و نه مجهول الهویه) به نامهای مستعار: جانباز نبرد، زیمیرو اسکاری، صوفیا اسکاری، وطن پور، دوشی چی، نبرد همگام، بصیر صباح و شمشاد چگونه سایت افغان جرمن را به « گدام اموال مسروقه» خویش مبدل ساخته است.

در قسمت حاضر می خواهم خاطر نشان سازم که این تنها سایت "افغان جرمن" نیست که [مقالات] "مسروقه" [در آن نشر] شده است ، بلکه سارق چند چهره متذکره به چند سایت دیگر نیز عین حقه را زده است. در قسمت سوم و پایانی این افشاگری هويت این "سارق چند چهره" و "دزد با پشتاره" را دو قطعه عکس اش روشن خواهم ساخت.

و اینک ادامه افشاگری ها با نشان دادن اموال مسروقه و جاهایی که از آن سرقت صورت گرفته است:

۱ - مقاله دزدی - میراث گرانبهای گذشتگان چراغی است بر آیندگان ، بخش بیست و پنجم و بیست و ششم (نویسنده: زیمیرو اسکاری) - در ۲۶ قسمت - سایتهای گفتمان و اصالت

مقاله اصلی - <http://iran.blogme.com> سخنان بزرگان و حکیمان - صفحه نخست تا صفحه پانزدهم - سخنان بزرگان بهمراه عکسهای بسیار زیبا - تصویر و سخن بزرگان .

۲ - مقاله دزدی - هنر در روند تاریخ چگونه شکل گرفت ؟، قسمت اول (نگارنده: زیمیرو اسکاری) - سایت گفتمان - مقاله اصلی -

http://www.1.trib.ir/amouzesah/d/page_sh.asp?key=2 &ov=1

۳ - مقاله دزدی - ملت در مصیبت، دولت در غفلت و انتلاف در بربریت (نویسنده: نبرد اسکاری) - گفتمان / افغان - جرمن مقاله اصلی :

<http://www.jebhemelli.info/Didgah> /۱(۹-۱۲-۸۴)۲/۸۴۱۲۰۹ zidabadi.htm

۴ - مقاله دزدی - آیا کرزی می تواند جلو مداخله پاکستان در افغانستان را بگیرد ؟، قسمت دوم (نوشته: زیمیرو اسکاری) - گفتمان / افغان جرمن (در ۲ قسمت)

مقاله اصلی - ایران امروز - جواد طالعی / شهروند - نتایج سقوط احتمالی دولت انتلافی در پاکستان - <http://world.iran> /۱۶۰۷۹emrooz.net/index.php?/world/print/

۵ - مقاله دزدی - فرهنگ ادبیات، آزادی بیان و کرامت انسانی چیست؟، قسمت ششم (نگارنده: زیمیرو اسکاری) - گفتمان / در ۶ قسمت مقاله اصلی : آفتاب ایران

http://www.atab.ir/articles/politics/political_science/c1201338776c1.php_1_democrat_p

۶ - مقاله دزدی - سرمایه های زندگی (نویسنده: خجسته زیمیرو اسکاری) - گفتمان / افغان - جرمن مقاله اصلی - محمود کویر - پرسشنامه خسروانی

<http://www.mahmoodkavir.com/persian/index.php?option=content&task=blogsection&id=>

۷- مقاله در وبسایت مشعل تحت عنوان "گفتنی هایی در باب شعر" (نویسنده: خجسته زمیرو اسکاری):
<http://www.mashal.org/side/shehr/shehr.php>

تمامی متن مطلب سرقت شده است از این آدرس:

<http://www.trib.ir/radio/adab/darmiyan.htm> \ Sher/rozaneh/f۲

۸- مقاله تحت عنوان "فروغ فرخزاد ستاره درخشان شعروادب!" (نویسنده: خجسته اسکاری) که در وبسایت مشعل به این آدرس نشر شده است:

<http://www.mashal.org/side/shehr/shehr.php?id=۰۰۰۰۹>

این نوشته توسط خانم دکتر روح انگیز کراچی در وبسایت زنان نشر شده است:

<http://www.zanan.co.ir/literature/html۰۰۰۲۸۴>

۹- مقاله "عوامل شعر خوب" (نویسنده: بصیر صباح) نشر شده در وبسایت مشعل به این آدرس:

<http://www.mashal.org/side/shehr/shehr.php?id=۰۰۰۲۱>

آن نوشته مطلقاً بدون کم و کاست از این وبسایت سرقت شده است:

<http://www.trib.ir/radio/adab/darmiyan.htm> \ Sher/rozaneh/f۲

۱۰- نوشته جناب استاد جانباز نبرد بنام: "زن در آئینه شعر فارسی دری" در سایت

مشعل <http://www.mashal.org/side/shehr/shehr.php?id=۰۰۰۴۰>

این مقاله بنام "زن در آئینه شعر فارسی" نوشته اکرم جودی نعمتی در وبسایت مرکز اطلاعات و آمار زنان درج و سرقت شده است از این آدرس

<http://www.iranwomen.org/MAG/shora/htm۱۲/۱۲>

و حال به عکس و کارت هویت این سارق چند چهره نگاه کنید:



نام های پهلوی عکس: عبدالله همدرد + شمشاد بغلاوی + وطن پور + مستان + بصیر صباح + جانباز نبرد + صوفیا اسکاری + رادمرد دوشی چی + خجسته اسکاری + نبرد همگام = استاد صباح

پایان شهرگوتنبرگ سویدن ۲۰۱۳/۳/۲۰